

تعارض و اجمال در حرفه‌ی حسابرسی

سعید جمشیدی فرد

آن‌چه به عنوان «نهاد ناظر بر حرفه‌ی حسابرسی» بیان می‌شود در دو قالب مقرراتی مطرح شده است. سند اول با هماهنگی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران و با مدیریت جناب آقای دکتر پورابراهیمی رئیس وقت کمیسیون اقتصادی مجلس تهیه و در سطح کمیسیون اقتصادی طرح شده است. پیشنهاد دیگر را نیز اخیراً در آبان ماه ۱۳۹۸ پس از جلسات متعدد و سوابقی که در این زمینه وجود داشت، سازمان حسابرسی ارائه کرد.

اهداف پیشنهاد این لوایح تقریباً مشترک است. وقتی «ماده واحده» را مرور می‌کنیم، می‌بینیم شامل دغدغه‌های بخش دولتی و بخش خصوصی و به‌طور کلی دغدغه‌ی تمامی حرفه است. ماده واحده با این دلایل و ضرورت‌ها شروع می‌شود: در راستای افزایش کیفیت خدمات حرفه‌ای، حفظ استقلال حسابرسان، شفافیت اطلاعات

مالی و اقتصادی بنگاه‌ها، افزایش پاسخ‌گویی، بهبود فضای کسب‌وکار در حرفه‌ی حسابرسی، حفظ و افزایش اعتماد عموم و رفع تعارض منافع در نظارت بر حرفه‌ی حسابرسی، و تقویت و ارتقای نظارت بر حرفه‌ی حسابرسی و بر شرکت‌های مورد حسابرسی. این اهداف در پیش‌نویس سندی که در جامعه تهیه شد و به کمیسیون اقتصادی مجلس رفت و پیش‌نویسی که سازمان حسابرسی به معاون محترم اقتصادی وزارت دارایی پیشنهاد داده، مشترک است.

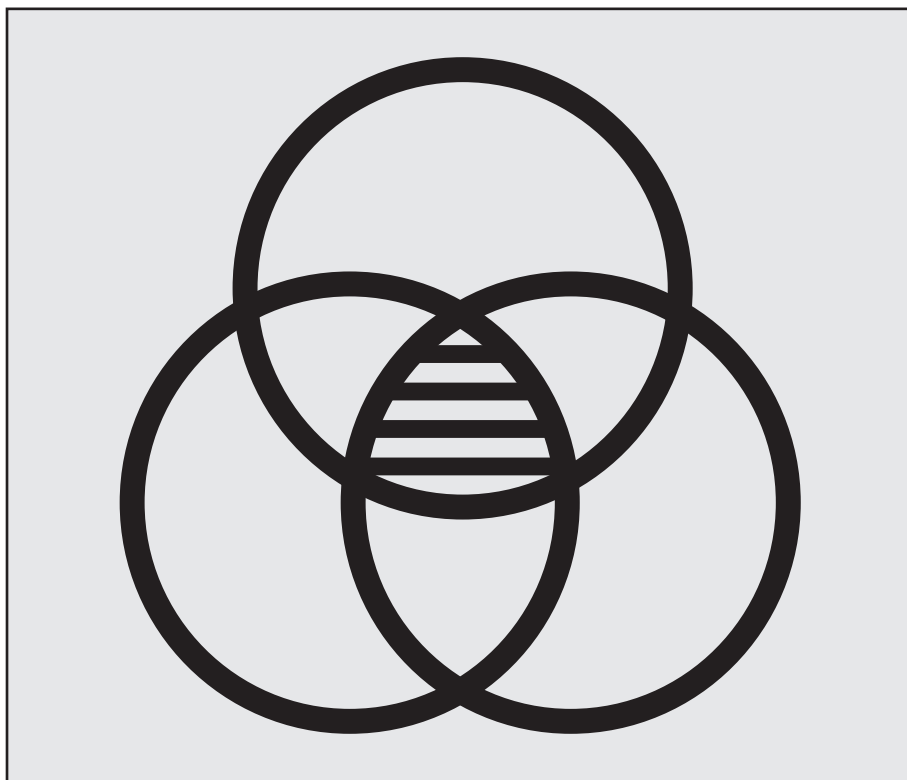
برای حل این دغدغه‌ها اولین چیزی که به ذهن می‌رسد قانون و مقررات است. البته، نکات دیگری وجود دارد که الزاماً از طرف قانون رفع نمی‌شود. موضوعات متعددی وجود دارد که ممکن است بخشی از آن به موجب قانون حل شود ولی بخشی دیگر، مسائلی هست که آن را گرفتاری «تعارض و اجمال» در حرفه نامیده‌ام که ابعاد مختلفی، هم در داخل حرفه و

هم در بیرون آن، دارد. اصولاً از لحاظ حقوقی تعارض و اجمال با تفسیر حل می‌شود، تفسیر قانون یا تفسیر در سطوح مختلف کمک می‌کند موضوعات روشن شود و آن‌چه حکم لازمه است، کشف و صادر شود. در غیاب این تفسیر گرفتاری اجمال و تعارض مشکل‌زاست. یکی از مواردی که تفسیر و حل مشکلات تعارض ضرورت پیدا می‌کند در حقوق است، ممکن است مشکل نقص قانون باشد، در مورد مسئله‌ای خاص قانون نداریم اما به هر حال مشکل وجود دارد و بالاخره مشکل باید حل شود. راه‌حل آن می‌تواند وضع قانون باشد یا تغییرات در قوانین و مقررات دیگر.

نکته‌ی دیگر که در تفسیر قانون و رفع ابهام ضرورت دارد، بحث اجمال و ابهام است؛ پیچیدگی و کلیاتی که در آن یا قضیه‌ی مطرح‌شده، یا حکم آن، و یا هر دو را نداشته باشیم. به‌عنوان مثال، در قانون مالیات‌ها برای نوسازی هم معافیت داشتیم، ولی نوسازی یک لفظ و اصطلاح مجمل، کلی و مبهم است.

مسئله‌ی دیگر تعارض قوانین است. ما قوانین متعددی داریم که در حدود یکدیگر وارد می‌شود و به بروز مشکل می‌انجامد. در حوزه‌ی حسابداری هم ما این مشکل را داریم. حالا ممکن است اساسنامه‌ی جامعه‌ی حسابداران رسمی، یا اساسنامه‌ی قانونی سازمان حسابرسی، ماده واحده، یا قانون سیاست‌های اصل ۴۴، قانون نظام سلامت اداری یا قانون مبارزه با پول‌شویی باشد. این‌ها تداخل‌هایی دارد که برای ما مسئله‌ساز است. مثلاً گزارشگری برای مبارزه با پول‌شویی جاهایی با استانداردها همخوانی ندارد یا رابطه برقرار نکرده است.

حالت بعدی که ممکن است تعارض به وجود بیاید زمانی است که قانون نداشته باشیم، سکوت قانونی وجود



یک بخش آن حسابرس داخلی است. باید تشکلهای حرفه‌ای دیگر خودشان را در سطحی بیاورند که ضمانت اجرا داشته باشد. ما این گفت‌وگو را با بورس شروع کردیم و خوشبختانه در بورس پذیرای این پیشنهادها هستند. در جلسه‌ای که با بورس تشکیل دادیم و در شورا با رئیس محترم سازمان، تعامل مناسبی برقرار شد و و پذیرفتند که باید به کیفیت کمیته‌های حسابرسی اهمیت بیش‌تری بدهیم، در مورد حسابرسان داخلی همین‌طور و خبر خوب دیگری که نشان می‌دهد تعاملات ما در مسیر سازنده هست، این است که در سازمان بورس بودجه‌ای را تصویب کردند که بخشی از آن را برای آموزش و تحقیقات در اختیار ما بگذارند؛ البته شاید رقم کوچکی باشد اما برای برقراری ارتباط چشم‌انداز خوبی ارائه می‌کند.

یکی از ابهامات دیگری که در سطح سیاست‌گذاری داریم، بحث مالکیت‌هاست. مالکیت‌ها در حوزه‌ی اقتصادی کمی مبهم است: خصوصی، دولتی، غیرخصوصی و غیر دولتی، تمام این‌ها بر محیط گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد. تأثیر آن کجاست؟ یکی از موضوعات ما کارگروه انتخاب حسابرس است که از مهمترین عوامل وجودی آن مالکیت شرکت‌ها و واحدهای مورد حسابرسی است. اما می‌دانیم که مالکیت در محیط عمومی خیلی روشن نیست. دامنه‌ی مالکیت مبهم است. این ابهام برای ما، چه برای بخش دولتی چه برای بخش خصوصی، هزینه دارد. کما این که در این پیش‌نویس‌هایی که وجود دارد دو اصطلاح داریم که تعریف نشده است (همان موضوع اجمال و ابهام)، مثلاً شرکت‌های حاکمیتی و شرکت‌های استراتژیک که ما هیچ‌جا تعریف مشخصی برای آن نداریم. در نتیجه اگر چنین پیش‌نویسی به قانون تبدیل

خلاف واقع گزارش کند، حسابرسی که در چارچوب استانداردها رسیدگی می‌کند، ممکن است این موارد را شناسایی کرده یا قادر به کشف آن نباشد. اما متأسفانه عملکرد مدیر مالی که خارج از حوزه‌ی حسابرسی و منتخب رکن مدیریت است هم به حساب انتهای زنجیره گذاشته می‌شود و حتی عملکرد غیر اثربخش کمیته‌ی حسابرسی هم به جهت تشابه اسمی به حساب حسابرس می‌نویسند. بنابر این اجمال و ابهام لازم است که دقت کنیم اگر به عنوان حسابرس در جایی هستیم، در درجه‌ی اول نماینده‌ی حسابرسان هستیم.

مشکل دیگر ما تعدد تشکلهای حرفه‌ای است که هم‌پای هم جلو نمی‌روند. به عنوان مثال، من امسال در مجمعی شرکت کردم که خودم عضو و جزء مؤسسان آن بودم، اما متأسفانه مجمع صرفاً با حضور بیست نفر تشکیل شد. درحالی که ما می‌گوییم یک بخش از حرفه مدیر مالی است،

داشت باشد. در چنین حالتی باید قانون مربوطه وضع و حکم مربوطه مشخص بشود.

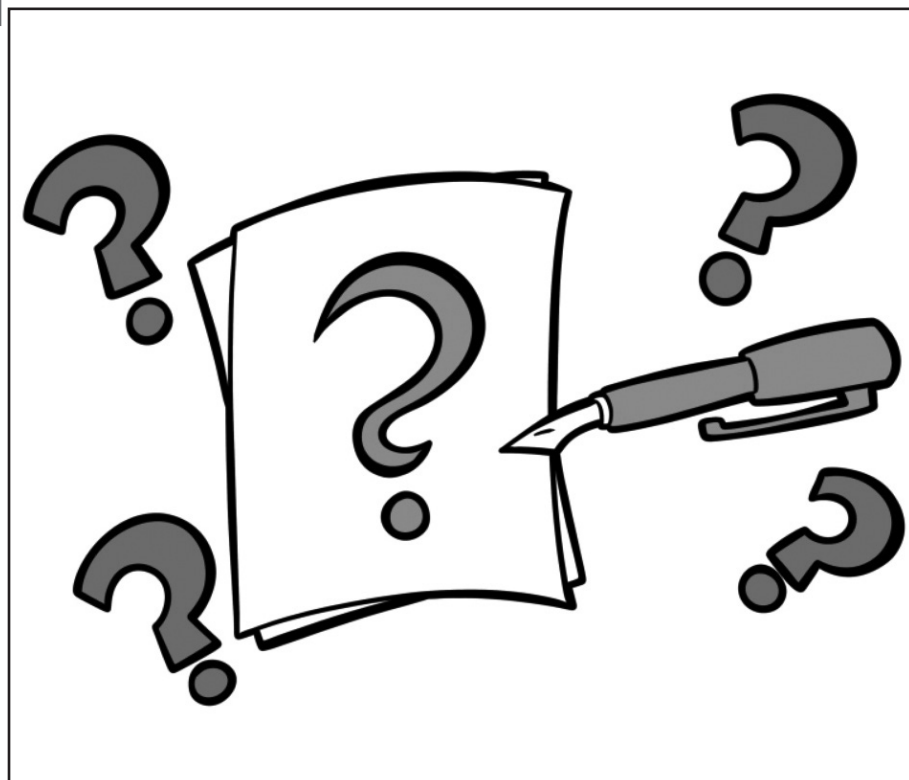
با توجه به طبقه‌بندی بالا، به مصادیقی اشاره می‌کنم که مواردی از آن را ما باید حل کنیم، مواردی را کلیت حرفه، مواردی را قانون‌گذار و برخی از موارد را دولت.

به عنوان مثال، یکی از مشکلات ما حرفه‌ای‌ها این است که عموماً نسبت به حرفه احساس تعهد می‌کنیم، هرگاه مسئولیت اجتماعی حرفه‌ای احساس کنیم از حرفه دفاع می‌کنیم. این خیلی خوب است اما ما به عنوان حسابداران و حسابرسان صرفاً متولی بخشی از حرفه هستیم. احساس تعهد به حرفه خوب است اما عدم تفکیک حوزه‌های حرفه‌ای باعث می‌شود که بسیاری از ایرادات و مسئولیت‌ها صرفاً برعهده‌ی آخرین زنجیره‌ی گزارشگری یعنی گزارش حسابرس گذاشته می‌شود. اگر گزارش مدیر مالی تحریف‌شده باشد یا پنهان‌کاری کرده باشد یا اطلاعات

آموزش مستمر حرفه‌ای و کمیته‌ی کنترل کیفیت را داریم، این‌ها بخشی از کارهاست به علاوه‌ی نظارت.

نظارت هم یکی از کلمات مجمل و مبهم است. وقتی می‌گوییم نظارت، برخی فقط مستقیماً به سراغ گزارش حسابرسی می‌روند. در حالی که در مورد جامعه این ادعا هست که جامعه یک نهاد خودانتظام است، اما مطلقاً این طور نیست. اگر تیتراهای نظارت را نگاه کنیم متوجه می‌شویم که به‌هرحال بانک مرکزی در مورد نهادهای پولی نقش نظارتی خودش را ایفا می‌کند، سازمان بورس به ترتیب دیگری در مورد ناشرین و نهادهای مالی این نظارت را برعهده دارد. خود ما در جامعه کارگروه کنترل کیفیت داریم و بخش‌هایی مهمی از کار را انجام می‌دهد. در عین حال هیأت عالی نظارت جامعه هم با اختیارات

مشخصی که در اساسنامه هست، به‌عنوان یکی از چهار رکن جامعه نقش نظارتی برعهده دارد. علاوه بر آن، سه ناظر در شورای عالی داریم، نمایندگان محترم وزارت اقتصاد، سازمان بورس و بانک مرکزی، نقش نظارتی دارند. ما هیأت ویژه‌ی رسیدگی داریم که آن‌جا هم منتخب وزیر امور اقتصادی هستند. ریاست هیأت عالی انتظامی منتخب وزیر اقتصاد به‌علاوه‌ی عضو دیگری از مقامات قضایی هستند. اگر می‌گوییم نظارت باید تمام این‌ها را در نظر بگیریم. بخشی که مربوط به جامعه است ما پذیرای مسئولیت آن هستیم و تلاش می‌کنیم آن را ارتقا بدهیم ولی اگر در بخش‌های دیگر نقدی وجود دارد باید منصفانه طرح و اصلاح شود. مثلاً فرض کنید نظر محترم در شورا هستند، شاید هنوز از آن تعریف دقیقی نشده باشد، آیا ارتباط نظر با کسانی که آنان را تعیین نموده‌اند، ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی دارند؟ آیا مسائل جامعه به مقامات ذی‌ربط مستقیماً



هرحال همگی زنجیره‌ی بروکراتیک و سازمانی حسابرسی را می‌دانیم، تعیین صلاحیت‌ها باید در هیأت تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی صورت بگیرد که این هیأت به‌هیچ‌وجه رکنی از ارکان جامعه‌ی حسابداران رسمی نیست. یعنی زنجیره‌ی کیفیت از هیأت تشخیص شروع می‌شود، حالا چه همکارانی که قبلاً بدون امتحان آمدند، چه کسانی که امتحان می‌دهند. اگر ما کیفیت را ارزیابی می‌کنیم، گزارش حسابرسی آخرین حلقه‌ی آن است. یک عامل آن هم همین نحوه‌ی ورود به حرفه است، این ورودی موضوع بحث هر دو پیش‌نویس است. در پیش‌نویس نخست مطرح شده است که هیأت تشخیص هم جزئی از جامعه باشد و در ارکان جامعه قرار بگیرد. در حوزه‌ی حسابرسی خصوصاً در خدمات اطمینان‌بخشی، در جامعه ما مدیریت کیفیت را در اختیار داریم. نمی‌گوییم کارمان کامل است اما در بحث‌های مقرراتی سابقه‌ی مدیریتی داریم،

شود، مستعد بروز اختلاف خواهد بود. به نظر من در بخش مدیریت بزرگ‌ترین دغدغه و بیش‌ترین مشکلات را داریم. در رابطه با حسابرسان تشکلهای خاص خودش را داریم، در رابطه با مالکیت چون بخش عمده‌ای از اقتصاد عمومی است متولیان خاص دارد. ولی در مورد مدیریت ما تشکل جدی نداریم، بیش‌تر جنبه‌های ترویج دانش آن است. در بخش شرکت‌ها تا حدودی سازمان بورس ورود پیدا کرده و تأیید صلاحیت می‌کند. اما آن‌چه در مورد ایراد مدیر مالی، حسابرس داخلی و کمیته‌ی حسابرسی و کنترل‌های داخلی است، دغدغه و مشکلات حرفه‌ی حسابرسی نیست، این‌ها مشکلات رکن مدیریت بنگاه‌هاست لیکن بعضاً به حساب حسابرسان گذاشته می‌شود.

اما در بخش حسابرسی و بازرسی هم این ابهام و اجمال را داریم که از بحث‌های اصلی آن نظارت بر کیفیت کار حسابرسی است. به

و کامل منتقل می‌شود؟ این موضوع می‌تواند کیفیت را بالا ببرد و محرک ما برای بالابردن کیفیت باشد.

تخلف هم یکی از همان موارد مجمل و مبهم است. تخلف می‌تواند طیف گسترده‌ای از اختلاس تا صدور برگه‌ی مرخصی امضا نشده را دربر بگیرد. این‌ها را باید تفکیک کرد. تخلفات در مقررات و آیین‌نامه‌ها داریم، گاهی اوقات تخلف آثار مالی ندارد و خسارتی به دیگران وارد نمی‌شود، و گاه ممکن است باعث خسارت بشود و در این صورت جبران خسارت ضرورت می‌یابد. بعضی اوقات هم اقدام مجرمانه است. براساس تبادل نظر با هیأت انتظامی، در مواردی که اقدام مجرمانه می‌شود اساساً بنا بر گذشت و ملامت نیست، چراکه خطای عامدانه و مجرمانه‌ی یک عضو به کل حرفه آسیب می‌زند. ولی گاهی تخلف و تقصیری صورت گرفته که ممکن است اشتباه باشد، فرق دارد با جرم، در چنین مواردی باید ببینیم عوامل این تخلف و تقصیر چیست. گاهی تقصیر به جامعه برمی‌گردد، مثلاً شاید نحوه‌ی آموزش در جامعه درست نیست که عضو نمی‌تواند در مورد مثلاً بیت کوین اظهارنظر کند. در چنین مواردی، ما باید ابتدا دوره‌ی آموزشی بگذاریم و پس از آن مسئولیت بخواهیم. یک بخش ممکن است مربوط به نظار ما باشد. بعضی اوقات ممکن است آمادگی ذهنی گذشته را به دلیل کهولت یا بیماری نداشته باشیم. این‌ها از جمله موارد و عواملی است که ممکن است منجر به تخلف به معنای عام بشود و به ترتیب برای آن مجازات‌هایی پیش‌بینی شده است.

موارد گفته شده از این‌روست که گاه موضوعاتی را مطرح می‌کنیم که کلی و مبهم و بحث‌برانگیز است و تفکیک نمی‌شود. سپس شاهد تفسیرهایی عموماً توسط اشخاص می‌شویم که

جایگاه قانونی و مدیریتی بالایی دارند و در مقایسه با حرفه و جامعه در سطح مشابهی نیست، و این تفسیرها معمولاً به ضرر ما تمام می‌شود. قوانین و مقررات ما با قانون بورس برابری نمی‌کند. قدرت چانه‌زنی ما با برخی از تشکلهای و سازمان‌ها برابری نمی‌کند. در نتیجه بعضاً تفسیرها به ضرر ما تمام شده و متأسفانه در بسیاری موارد در زمان و جای مناسب برای دفاع و طرح واقعیت‌ها برای جامعه نیست. البته همه‌ی این موارد به معنای عدم بروز تخلف یا نداشتن مشکل در سطح جامعه‌ی حسابداران رسمی نیست.

در ادامه، به‌طور مختصر ویژگی‌های دو پیش‌نویس را برمی‌شمارم. یکی در سال ۹۵ تنظیم شده و تا سطح کمیسیون اقتصادی مجلس رفته و دومی آبان ماه سال ۹۸ توسط سازمان حسابرسی به معاونت محترم اقتصادی وزارت دارایی پیشنهاد شده است. چنان که گفته شد اهداف هر دو یکسان است. در هر دو پیش‌نویس بنا بر تشکیل سازمان نظارت بر حرفه‌ی حسابرسی است تا کیفیت کار حسابسان را، اعم از اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی (که پیشنهاد شده در ردیف مؤسسات قرار بگیرد)، کنترل کند. وارد همه دلایل حقوقی این امر نمی‌شویم ولی یکی از آن‌ها این است که در تبصره‌ی ۵ ماده واحده، سازمان حسابرسی در ردیف مؤسسات و حسابداران رسمی قرار گرفته است. قانون‌گذار این را خواسته و علاوه بر آن وظایفی در مورد استانداردگذاری برای سازمان پیش‌بینی کرده است. پس در پیش‌نویس تنظیم شده در سال ۹۵ بناست سازمان در ردیف مؤسسات قرار بگیرد. نهاد ناظر تشکیل بشود و وظایف هیأت عالی نظارت جامعه‌ی حسابداران رسمی کلاً به آن نهاد ناظر منتقل می‌شود و نهاد ناظر شورایی متشکل از اشخاص و جایگاه‌های متعدد خواهد

داشت. مثلاً در پیشنهاد نخست، معاون اول رئیس‌جمهور، برای ریاست شورا پیش‌بینی شده است، وزیر امور اقتصادی، دادستان کل کشور، رئیس کل بانک مرکزی، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار، رئیس بیمه‌ی مرکزی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، رئیس شورای عالی جامعه و دبیرکل جامعه دیگر اعضای شورا هستند. تقریباً این ترکیب را در پیش‌نویس سازمان حسابرسی هم داریم به جز این که وزیر اقتصاد به‌عنوان رئیس شورا در نظر گرفته شده و به جای دادستان، وزیر دادگستری عضو شورا است و رئیس اتاق بازرگانی و رئیس سازمان حسابرسی نیز عضو این شورا خواهند بود.

محور اصلی وظایف سازمان ناظر عبارت است از: ۱- نظارت بر فعالیت‌های حرفه‌ای جامعه‌ی حسابداران رسمی ۲- تدوین استانداردهای حسابداری، حسابرسی و آیین رفتار حرفه‌ای ۳- کنترل کیفیت فعالیت مؤسسات حسابرسی ۴- انجام اقدامات تنبیهی و انضباطی ۵- رتبه‌بندی مؤسسات ۶- مطالعه و انجام تحقیقات در زمینه‌های حسابداری و حسابرسی ۷- نظارت بر برگزاری انتخابات شورای عالی جامعه ۸- پاسخ‌گویی به موضوعات ارجاعی و ۹- مسئولیت بازرسی و حسابرسی جامعه.

پیش‌بینی شده است این سازمان ناظر چهار هیأت اصلی داشته باشد که در حقیقت بازوهای اصلی به چهار هیأت تقسیم شده است: هیأت پذیرش یا تدوین استانداردهای حسابداری، هیأت پذیرش یا تدوین استانداردهای حسابداری بخش عمومی، هیأت پذیرش یا تدوین استانداردهای واحد تجاری، و هیأت نظارت بر حرفه‌ی حسابرسی که وظیفه‌ی کنترل کیفیت در همین هیأت اخیر است. پیشنهاد شده که سازمان نظارت،

بر کارهای مربوط به بخش عمومی و شرکت‌های وابسته به سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های بورسی و بازار پولی و شرکت‌های بیمه کنترل کیفیت داشته باشد. اما نظارت بر شرکت‌ها و سایر اشخاص برعهده‌ی جامعه پیش‌بینی شده است.

در پیشنهاد سازمان حسابرسی که اخیراً پیرو جلسات متعدد تنظیم شده، محورهای اصلی از جهت کنترل کیفیت مؤسسات حسابرسی و اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی توسط آن سازمان نظارتی صورت خواهد گرفت. اقدامات انضباطی چه درمورد مدیران سازمان و اعضای جامعه، رتبه‌بندی و متناسب‌سازی رتبه‌ی حسابرسان و مؤسسات حسابرسی، پذیرش استانداردهای حسابرسی و آیین رفتار حرفه‌ای و همکاری در تدوین استانداردهای حسابداری توسط این سازمان صورت می‌گیرد.

یکی از موارد اختلاف دو پیش‌نویس در این است که در پیش‌نویس قبلی استاندارد‌گذاری، چه حسابداری، چه حسابرسی و آیین رفتاری برای سازمان نظارت پیش‌بینی شده بود ولی در پیش‌نویس دوم برای سازمان نظارت صرفاً پذیرش استانداردهای حسابرسی (نه تدوین آن)، به‌علاوه‌ی پذیرش آیین رفتار حرفه‌ای و همکاری در تدوین استانداردهای حسابداری پیش‌بینی شده است. این موضوع یکی از موارد کلیدی است که در مجامع عمومی سازمان حسابرسی عموماً مطرح شده و وزرا هم تأکید بر این داشتند که استاندارد‌گذاری از سازمان جدا شود. از جمله وظایف دیگر، پاسخ‌گویی به موضوعات ارجاعی، حسابرسی جامعه و نظارت بر انتخابات است. در این پیشنهاد، سازمان دارای هیأت‌مدیره‌ی

۵ نفره است. یک هیأت بازرسی پیش‌بینی شده که نقش حسابرسی و بررسی شکایات نسبت به آن سازمان نظارت را بر عهده بگیرد. بر اساس این پیش‌نویس پیش‌بینی شده که وظایف کنترل کیفیت حسابرسی مؤسسات حسابرسی عضو جامعه و فعالیت‌های اطمینان بخشی و همچنین کلیه‌ی وظایف هیأت عالی نظارت جامعه‌ی حسابداران رسمی هم به سازمان نظارت منتقل بشود.

در هر دو پیش‌نویس، مسئولیت‌های هیأت مدیره و متولیان مالی یعنی همان مدیران مالی پیش‌بینی شده که اقدامات انضباطی و احیاناً کیفری علیه این‌ها صورت بگیرد. با توجه به این دو پیش‌نویس و این که مسئولیت این کار را معاونت محترم اقتصادی وزارت دارایی بر عهده داشتند جلسه‌ای را در مهرماه برگزار کردند که ۲۳ نفر به آن دعوت شدند و سه سناریو مطرح شد و نقدهایی مبنی بر این که نمایندگی کامل در دست بخش خصوصی باشد یا نه مطرح شد.

بعد از تدوین سناریوها نظر ما را خواستند، جامعه نظراتش را در قالب نامه‌ای به معاونت محترم اقتصادی ارائه کرد و پیش‌نویسی را که در شورای ششم مطرح شده بود به‌عنوان الگوی مطرح‌شده در مقایسه با الگوی سازمان حسابرسی، پیوست و ارسال نمود. در این جلسه، که آقای دکتر دهقان بر اساس نظرخواهی جمع‌بندی کردند، سه سناریو مطرح شد. در این جلسه محوریت و موضوع رسمی تولی و فرآیند حسابرسی شرکت‌های دولتی بود نه کل حرفه، اما عملاً موضوع به کل حرفه‌ی حسابرسی، اعم از دولتی و خصوصی، گسترش پیدا کرد.

با این حال با این که تأکید بر موضوع حسابرسی شرکت‌های دولتی بود، سه سناریو مطرح شد: ۱- سازمان حسابرسی به نهاد تنظیم‌گر تبدیل

بشود. این نهاد تنظیم‌گر اصطلاحی است که به نظر می‌رسد خواسته شده متمایز از نهاد ناظر باشد که بر سر زبان‌ها افتاده است. پس در این سناریو سازمان حسابرسی یک نهاد تنظیم‌گر بشود و انجام امور حسابرسی شرکت‌های دولتی توسط بخش خصوصی صورت بگیرد یعنی اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی. ۲- سناریوی دوم این بود که سازمان حسابرسی به نهاد تنظیم‌گر تبدیل بشود ولی برای انجام امور حسابرسی شرکت‌های دولتی یک مؤسسه‌ی جدید دولتی تأسیس بشود. ۳- و سناریوی سوم که اکثریت متمایل به آن بودند، این است که یک سازمان مستقل به عنوان نهاد تنظیم‌گر مثل همان سازمان نظارتی که توضیح دادم تشکیل بشود و سازمان حسابرسی متولی حسابرسی شرکت‌های استراتژیک و حاکمیتی بشود. یکی از سؤالاتی که در آن جلسه مطرح شد این بود که ما تعریفی از شرکت‌های حاکمیتی و استراتژیک نداریم. این موضوع اگر روشن بشود و کمیت آن مشخص بشود شاید به جمع‌بندی و تسهیل تصمیم‌گیری کمک کند.

بر اساس این سناریو، بحث هنوز جاری است. ما در جامعه‌ی حسابداران رسمی نظرات خود را منعکس کردیم و امیدواریم با تعامل و گفت‌وگو و ارتباط نزدیک در مسیر جلو برویم. به هر حال ما دو رویکرد کلی داریم، یکی بلندمدت که از مسیر قانونگذاری عبور می‌کند و دیگری بحث کوتاه‌مدت که چه این پیش‌نویس به قانون بدل شود چه پیش‌نویس دیگر، ما در جامعه‌ی حسابداران رسمی بر ارتقای کیفیت کار حسابرسان تأکید داریم و از این‌رو از هیأت مدیره خواستیم طرح تحول در این حوزه را تدوین و به شورا ارائه کنند. تأکید ما در هر حالت بر ارتقای کیفیت است. ■